

#پرورشگاه_پاره_وقت

جامعه پدیا

بهبستی به دنبال اجرای طرحی برای نگهداری پاره‌وقت از بچه‌های بی‌سرپرست در مراکز «هفت روزانه» است، مراکزی که با خوابگاه‌های شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست تفاوت داشته باشد؛ به این امید که بچه‌ها مدت کمتری در این مراکز ماندگار شوند و زودتر به خانواده‌های خود برگردند. قرار است تا دهه فجر ۱۰ مرکز موقت روزانه نگهداری از کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست مؤثر و باصلاحیت در ۵ استان کشور برای گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال افتتاح شود. مدیرکل دفتر مراقبت و توانمندسازی کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی در این باره گفته است که حدود ۳۰۰ درصد کودکانی که از سوی مراجع قضایی به بهزیستی معرفی می‌شوند، پدر، مادر یا اولیای قهری واجد صلاحیت قانونی دارند، اما به دلیل ناتوانی در نگهداری روزانه به‌ناچار به مراکز شبانه‌روزی سپرده می‌شوند. به گفته حمیدرضا الوند، ایجاد این مراکز روزانه کمک خواهد کرد ۲۰ تا ۳۰ درصد این کودکان ضمن دریافت خدمات کامل روزانه، عصرها نزد خانواده‌های خود بازگردند. همچنین وضعیت آنها توسط مددکاران اجتماعی مورد نظارت قرار خواهد گرفت. ایجاد این مراکز جنبه قانونی دارد. براساس بند ۴ ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، سازمان بهزیستی مجوز راه‌اندازی این مراکز را برای افراد متخصص صادر خواهد کرد. یک نکته دیگر درباره مراکز موقت روزانه این است که سالمندان داوطلب و دارای تخصص، برای ساعاتی در هفته اجازه حضور در میان کودکان را خواهند داشت تا راهی برای ارتباط بین‌نسلی میان کودکان و سالمندان باشد. در پرورشگاه‌های شبانه‌روزی ورود این افراد ممنوع است.



خرج یک‌متر افزایش سرانه آموزشی

باوجودانبوه مراکز آموزشی دولتی و خصوصی، همچنان سرانه فضای آموزشی برای دانش آموزان ایرانی کمتر از حد لازم و استاندارد است. ساختن بنای

اصل و شرح

امنیت کاری برای مادران

درباره ممنوعیت اخراج زنان باردار، شیرده و دارای ۳ بچه و ماجرای قانون جوانی جمعیت



فاطمه عسگری‌نیا | روزنامه‌نگار

جامعه امروز

اهدای خودروی ایرانی پس از تولد فرزند دوم به مادران و اعطای زمین و واحد مسکونی و تسهیلات بانکی اشاره کرد.

با توجه به اینکه در شرایط اقتصادی کنونی در خیلی از خانواده‌ها زن و مرد مجبورند در محیط بیرون از خانه کار کنند تا بتوانند نیازهای خانواده را تأمین کنند، خیلی‌ها معتقدند قانون جوانی جمعیت قانونی به نفع زنان شاغل است؛ چرا که در خیلی از مفاد این قانون بر ایجاد بستری مناسب برای اشتغال با خیال آسوده توسط زنان مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً یکی از مهم‌ترین سازوکارهای اجرایی این قانون، الزام دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی به ایجاد، راه‌اندازی یا حمایت از مهدکودک‌ها در

محل یا نزدیک محل کار کارکنان، به‌ویژه بانوان است؛ چرا که همواره نبود این زیرساخت اساسی در محل کار یا نزدیکی محل کار خانواده‌ها به‌خصوص مادران را با چالش‌های اساسی روبه‌رو می‌کند. در واقع، ایجاد مهدکودک در محیط‌های کاری نه تنها باری از دوش والدین برمی‌دارد، بلکه گامی مهم در جهت افزایش بهره‌وری، رضایت شغلی و توازن بین نقش‌های خانوادگی و حرفه‌ای مادران است. با این حال، درحالی‌که ۴ سال از تصویب این قانون می‌گذرد، شواهد و گزارش‌های مردمی حکایت از آن دارد که در صد قابل توجهی از دستگاه‌های اداری زیر بار این مسئولیت و تکلیف قانونی نمی‌روند. البته این مسئله تنها مسئله‌ای نبود که در راستای سنجنش اجرای قانون جوانی جمعیت مورد توجه

قرار گرفت. موضوعات مهم دیگری از جمله امنیت شغلی مادران دارای فرزند شیرخوار، مادران باردار و شاغلان دارای ۳ فرزند و بیشتر هم موضوعی است که در این قانون حساسی به آن توجه شده است. مثلاً تبصره بند «پ» ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به‌طور مستقیم به موضوع تعدیل نیرو و اخراج کارکنان براساس تعداد فرزندان یا وضعیت بارداری می‌پردازد. مخاطبان این دستورالعمل هم کلیه دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه هستند که شامل تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، شرکت‌های دولتی و نهادهایی می‌شود که تحت نظارت یا مشمول قوانین استخدامی سازمان اداری و استخدامی قرار دارند. از زمان تصویب قانون جوانی جمعیت تا همین یکی

دوماه گذشته خیلی گزارش‌ها به سازمان اداری و استخدامی کشور رسیده بود مبنی بر اینکه مادران باردار و شیرده امنیت شغلی ندارند و چه‌سای گاهی بعد از مرخصی زایمان با نامه عدم‌نیاز مجموعه روبه‌رو می‌شوند. وقتی سازمان اداری و استخدامی این پیام‌ها را راستی‌آزمایی کرد، دید که حق با مردم است به‌خاطر همین طی یک ابلاغیه جدید تحت عنوان «عدم‌جواز تعدیل» یا «اعلام عدم‌نیاز نیروهای دارای حداقل ۳ فرزند یا بانوان باردار یا دارای فرزند شیرخوار» حجت را با همه دستگاه‌های اجرایی تمام کرد؛ ورودی که انتظار می‌رود در بخش تأسیس مهدکودک‌های سازمانی هم انجام شود تا مادران با فراغ بال بیشتری در محیط کار حاضر شوند و با تمرکز به مسئولیت‌های محوله رسیدگی کنند.

مازوت یا بنزین؟ مسئله این است

در روزهای اوج آلودگی هوا یک اختلاف‌نظر جدی میان بحث بر سر دلیل آلودگی ایجاد شده بود. برخی بنزین بی‌کیفیت را دلیل ابرهای خاکستری آلوده می‌دانستند و عده‌ای هم سر منشأ تمام



گزارش

هشتگ روز

فاش کردن فوت‌وفن به شرط و شروطها

در مهمانی‌های خانوادگی تدارک دسر سفره بر عهده علی‌اقاست و یا آنکه او پختن نشاسته گندم تا سرد کردن آن و تهیه مخلوط شیره انگور و هل و گلاب را مقابل کدبانوهای برهنه فرامیل انجام می‌دهد، هنوز هیچ کدام‌شان از راز قوام آمدن نشاسته‌های گندم معجون‌های او سر درنیاورده‌اند: «این کار قلق دارد؛ هر قدر هم برای کسی توضیح بدهم فایده‌ای ندارد؛ یا سفت درمی‌آورند یا آبکی، اما اگر از جوان‌ها کسی خواست این کار را ادامه دهد و برای خودش مغازه راه بیندازد حاضرم بروم همانجا برایش درست کنم تا ریزه‌کاری‌هایش را یاد بگیرد.»

در میان مشتریان پروپاقرص هل و گلاب‌های پرخطرله علی‌آقا، ورزشکاران و چهره‌های صاحب‌نام فراوانند، اما او بهتر از همه آنها جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی را می‌شناسد که گاهی با چند آتش‌نشان دیگر به سرافش می‌بندد تا ورزشان را قیراق و پراثرتری آغاز کنند. بسیار پیش آمده که باشگاه‌ها و مراکز ورزشی به علی‌آقا سفارش‌های کلی بدهند، اما او دیگر رقی ساعت‌ها سراپا ماندن برای پخت و صاف کردن یک باتیل نشاسته را ندارد و فقط سفارش سفره‌های نذری هیئت‌ها و مساجد را محض ثواب قبول می‌کند.



رابعه تیموری | روزنامه‌نگار

گزارش

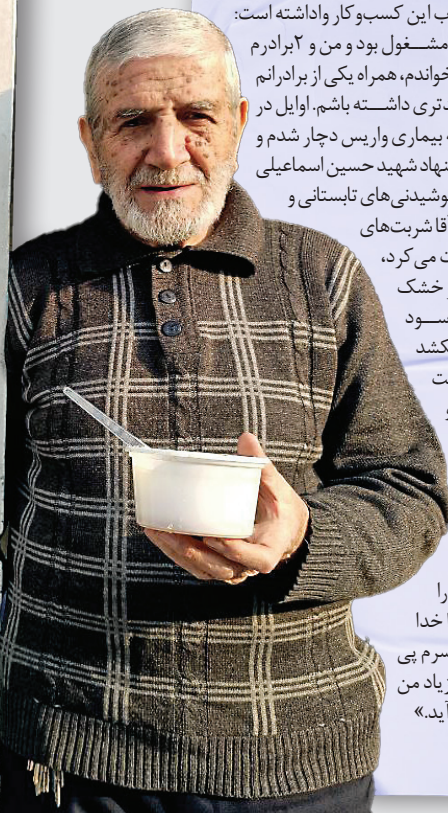
می‌دانند علی‌آقا برای پخت دسرهای «هل و گلاب» خوش‌رنگ‌بویش، نشاسته پخته شده را با شیربه انگور و هل و گلاب مخلوط می‌کند، اما حتی همسرش از راز و رمز و قلق‌های او برای

روییی یهمان هل و گلاب

پیش از آنکه روکش پارچه‌ای زین موتورسیکلت قدیمی‌اش را مرتب کند و کرکره مغازه را بالا بزند، به جاقی سلامتی مشتری جوش، لیخند روی صورت مهربان محجوبش پهن می‌شود: «سلام بابا! امروز معطل ماندی‌ها!» انگار از این مشتری‌های پروپاقرص کم ندارد که قبل از رفتن به باشگاه و محل کار، برای خوردن هل و گلاب به او سری می‌زنند. مغازه نقلی و پاکیزه‌اش از سال‌ها پیش بی‌تغییر مانده و تبدیل شدن نیم‌کاسه‌های چینی سبزه و هل و گلاب به ظرف‌های پرسی یک‌بار مصرف، تنها تفاوتی است که در دم و دستگاه مختصرش به چشم می‌خورد. وقتی در کشویی یخچال ویتربنی مغازه راباز می‌کنند، عطر ملایم دانه‌های هل و غنچه‌های گل محمدی که روی سطل‌های لبریز از دوشاب انگور غلت و اغلت می‌خورند، بلند می‌شود. ملات معجون‌های نیم‌بند علی‌آقا به مسقطی بی‌شابهت نیست، اما حتی وقتی نشاسته‌های سرد روی شیربه‌های انگور قوام آمده را می‌پوشانند، باز هم رویه سفیدرنگ آن به اشاره نوک قاشقی از هم می‌پاشد: «هل و گلاب مانند مسقطی شکر ندارد که سفت شود. قدیم که در مغازه یخچال نداشتیم، دیگ نشاسته گندم قوام آمده را روی کاسه‌های پراز یخ می‌گذاشتیم تا خنک بماند و آب نشود. آن زمان مردم به هل و گلاب «رویخی» هم می‌گفتند و قیمت هر نیم کاسه چینی رویخی، یک تومان و ۵ زار بود.»

از سنگسر تا تهران

جبر روزگار علی‌آقای ذاکری را به انتخاب این کسب‌وکار واداشته است: «پدرم در سنگسر سمنان به چوپانی مشغول بود و من و ۲ برادرم کمک حالش بودیم. کلاس ششم را که خواندم، همراه یکی از برادرانم به تهران آمدم تا کار و کاسبی پدر را مدتری داشته باشم. اوایل در خشکشویی کار می‌کردم، اما وقتی به بیماری واریس دچار شدم و نمی‌توانستم تمام روز سرپا باشم، به پیشنهاد شهید حسین اسماعیلی که برادر همسرم بود، به فروش دسر‌ها و نوشیدنی‌های تابستانی و زمستانی مشغول شدم.» آن روزها علی‌آقا شربت‌های انجیر و برگه قیسی و الوبخارا هم درست می‌کرد، اما حالا دیگر نه قوت انجیر و آلو و زردآلو خشک کردن برایش مانده و نه دلش می‌آید سود درست‌وحسابی روی قیمت اجناسش بکشد تا فروش این نوشیدنی‌های گران‌قیمت به صرفه باشد. علی‌آقا هر پرس هل و گلاب را ۳۰ هزار تومان می‌فروشد و به ۲ هزار تومان سود فروش هر پرس راضی است: «این روزها دیگر کسی به سود کم قانع نیست؛ همه هل و گلاب‌فروشی‌ها وقتی دیدند منفعت کارشان به‌زحمتش نمی‌آرزد، این کار را رها کردند؛ ولی من راضی‌ام. برکتش را خدا می‌دهد، من که عیالوار نیستم و تنها پسرم بی‌کار و زندگی‌اش رفته، روزی کم و زیاد من و همسرم هم، از همین کار درمی‌آید.»



هنرنمایی در جبهه

اگر علی‌آقا هم مانند برادرش در سال‌های جوانی برای خودش شغلی اداری دست‌وپا می‌کرد، شاید برای این‌روزها که هشتمین دهه عمر با رکنتش را پشت سر می‌گذارد، بیمه و پس‌اندازی داشت: «در روزهای شروع جنگ، چند باری فرصتی پیش آمد که کار اداری داشته باشم، ولی در کار اداری دیگر وقتم در اختیار خودم نبود و نمی‌توانستم هر موقع عملیات می‌شد به جبهه بروم.» در آن سال‌ها تا خبر می‌رسید که عملیاتی در پیش است، علی‌آقا کره مغازه را پایین می‌کشید و با یک ساک پر از برگه میوه به مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور می‌رفت. در آنجا او وقتی خط آرام بود و از راست و ریس کردن اسلحه و مهمات فارغ می‌شد، برای رزمندگان شربت‌های رنگارنگ تابستانه و زمستانه درست می‌کرد.



هل و گلاب ۳۰ هزار تومان کارت خوان ندارم

هل و گلاب